چرا اعزام نفت‌کش‌های ایرانی به ونزوئلا مهم است؟

تحریم شکن‌ها آمدند

فرهیختگان حتما در تاریخ ثبت شده و خواهد شد که ایالات متحده با بیش‌موذیتیاز برای مصرف‌روزانه در داخل. از این رو با ایران، به توافق رسیده تا این اقلام وارد شده، را وارد کند. این کشور با داشتن معادن سرشار طلا و برخی دیگر از فلزات گرانبها، امکان قابل توجهی برای تهاتر و پرداخت هزینه اقلام خریداری شده دارد.

دوم: ایران از دوسال پیش با مشکلات بزرگی در مسیر صادرات نفت و محصولات جانبی آن مواجه است. مضاف بر اینکه نمی‌تواند با سیستم‌های مرسوم تبادلات مالی، به تجارت بپردازد. از سوی دیگر در اثر فشارهای تحریمی، پشتوانه پول ملی تضعیف شده و تورم در مقاطعی از ۴۰ درصد هم گذشته است. حالا ایران هم مشتری خوبی برای بنزین تولیدی خود یافته و هم با تهاتر این محصول مهم به اضافه برخی دیگر از اقلامی مهم تکنولوژیک مثل کاتالیست‌ها با طلای ونزوئلا علاوه بر درآمدزایی به تقویت پول ملی و بنیادهای اقتصادی خود روی آورده است.

شاید همین جایگ سوال مهم به وجود آید، اینکه آیا این برقراری روابط اقتصادی همان یارانسر مهم و سوپرشتمسار در الگوی باشد است؟ یعنی با شکل گیری این تجارت اتفاق قابل اعتنایی در اقتصاد دو کشور رخ می‌دهد؟ علی‌ایحال و در شرایط کنونی پاسخ منفی است. چرا؟ چون حتما وضعیت اقتصادی یک کشور با تبادل بنج نفتکش حامل بنزین و چند محموله دیگر و تهاتر آن با ۹ تن طلا تغییر شگرفی نخواهد کرد و برای تغییر و بهبود وضعیت اقتصادی باید گام‌های متعدد دیگری برداشته شود، به‌خصوص اینکه بعد مکانی تجارت برای هر دوی این کشورها بسیار دشوار و اقتصاد فرسا خواهد کرد. نقطه عطف در الگوی باشد دسته‌ا از مجیزی فراتر از یک تبادل اقتصادی است، مسالهای که البته توضیحات آن خیلی هم سخت نیست. ایالات متحده در این مدت تمام تلاش خود را کرده که مانع انجام هرگونه مبادله تجاری از مبدا دو کشور تحریم شده. ایران و ونزوئلا به خارج شود و همچنین امکان صادرات به این دو کشور نیز وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی اما ایالات متحده بیشتر از آنکه روی فوت‌اجرایی حاصل از فشار به کشورهای پیرامونی، نظامات تبادلات تجاری و همچنین زیرفشار بودن برخی سازمان‌های بین‌المللی حساب بار کرد، باشد، به تاثیر اهرم جنگ‌روانی و تبلیغات سنگین رسانه‌ای دل بسته است تا هم از درون و به‌خاطر نا امیدی به آینده، ایران فروبپاشد و هم کشورها و شرکت‌های خارجی تمایل از همکاری و تجارت با تهران امتناع کنند. دلیل این موضوع هم مشخص است، تحریم ایران، با ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با ۱۵ کشور همسایه و متحدانی جان سخت و منابع گسترده دیگر زیرساخت‌های خود به مدار تولید است و از سوی دیگر نیازمند تامین بنزین مورد نیاز برای مصرف روزانه در داخل. از این رو با ایران، به توافق رسیده تا این اقلام وارد شده، را وارد کند. این کشور با داشتن معادن سرشار طلا و برخی دیگر از فلزات گرانبها، امکان قابل توجهی برای تهاتر و پرداخت هزینه اقلام خریداری شده دارد.

دوم: ایران از دوسال پیش با مشکلات بزرگی در مسیر صادرات نفت و محصولات جانبی آن مواجه است. مضاف بر اینکه نمی‌تواند با سیستم‌های مرسوم تبادلات مالی، به تجارت بپردازد. از سوی دیگر در اثر فشارهای تحریمی، پشتوانه پول ملی تضعیف شده و تورم در مقاطعی از ۴۰ درصد هم گذشته است. حالا ایران هم مشتری خوبی برای بنزین تولیدی خود یافته و هم با تهاتر این محصول مهم به اضافه برخی دیگر از اقلامی مهم تکنولوژیک مثل کاتالیست‌ها با طلای ونزوئلا علاوه بر درآمدزایی به تقویت پول ملی و بنیادهای اقتصادی خود روی آورده است.

شاید همین جایگ سوال مهم به وجود آید، اینکه آیا این برقراری روابط اقتصادی همان یارانسر مهم و سوپرشتمسار در الگوی باشد است؟ یعنی با شکل گیری این تجارت اتفاق قابل اعتنایی در اقتصاد دو کشور رخ می‌دهد؟ علی‌ایحال و در شرایط کنونی پاسخ منفی است. چرا؟ چون حتما وضعیت اقتصادی یک کشور با تبادل بنج نفتکش حامل بنزین و چند محموله دیگر و تهاتر آن با ۹ تن طلا تغییر شگرفی نخواهد کرد و برای تغییر و بهبود وضعیت اقتصادی باید گام‌های متعدد دیگری برداشته شود، به‌خصوص اینکه بعد مکانی تجارت برای هر دوی این کشورها بسیار دشوار و اقتصاد فرسا خواهد کرد. نقطه عطف در الگوی باشد دسته‌ا از مجیزی فراتر از یک تبادل اقتصادی است، مسالهای که البته توضیحات آن خیلی هم سخت نیست. ایالات متحده در این مدت تمام تلاش خود را کرده که مانع انجام هرگونه مبادله تجاری از مبدا دو کشور تحریم شده. ایران و ونزوئلا به خارج شود و همچنین امکان صادرات به این دو کشور نیز وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی اما ایالات متحده بیشتر از آنکه روی فوت‌اجرایی حاصل از فشار به کشورهای پیرامونی، نظامات تبادلات تجاری و همچنین زیرفشار بودن برخی سازمان‌های بین‌المللی حساب بار کرد، باشد، به تاثیر اهرم جنگ‌روانی و تبلیغات سنگین رسانه‌ای دل بسته است تا هم از درون و به‌خاطر نا امیدی به آینده، ایران فروبپاشد و هم کشورها و شرکت‌های خارجی تمایل از همکاری و تجارت با تهران امتناع کنند. دلیل این موضوع هم مشخص است، تحریم ایران، با ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با ۱۵ کشور همسایه و متحدانی جان سخت و منابع گسترده معدنی و فسیلی به اضافه توانمندی‌های انسانی و تکنولوژیک بسیار دشوار خواهد و چنان که طی دوسال گذشته امکان تحقق صد درصدی نداشته است و از این رو اخیرا است به تبلیغات رسانه‌ای موازی هم متوسل شود.

در چنین وضعیتی حرکت پنج نفتکش بزرگ به صورت رسمی و با پرچم ایران و خبردار آنها از دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق یعنی همان جایی که گریس‌بک توقیف شده بود، در میان غوغایی از اخبار رسانه‌ای که البته بخش مهمی از آن از سوی آمریکایی‌ها رقم خورد، خیلی بیشتر از یک تبادل تجاری، تاثیر روانی و سیاسی دارد، یعنی بعد از این اتفاق و دقیقا بعد از آن لحظه‌ای که آمریکاها عدم کرد با این نفتکش‌ها مواجهه نظامی خواهد کرد (البته از کمترین اقدامی عاجز بود) کشورهای جهان دوباره دیدند که ایالات متحده حتی در دوران ترامپ، همان رئیس جمهوری که به اقدامات تندویی محابا معروف است، برای سومین بار نتوانسته پاسخی به کنش‌های بزرگ ایران بدهد و تنها نظاره‌گر بوده است.

به خاطر بیاورید زمانی که گلوبال هاوک ساقط شد و بعد! متحدان ایران آرامکو را هدف قرار دادند، کشورهایی چون امارات خودشان برای تجدید پیمان‌های امنیتی با ایران و آغـاز مراودات تجاری با تهران پیش‌قدم شدند و با ارسال چندین هیات سیاسـی و اقتصادی به تهران رسما اعلام کردند که تایدکننده و تضمین کننده اقدامات آمریکا در منطقه نیستند. یا در ماجرای ترور سرلشکر سلیمانی که قطری‌ها چند بار به تهران آمدند و از همکاری با آمریکا اعلام برائت کردند. لذا باید گفت که امروز آنقدر بزرگ‌تر از ماجرای گلوبال هاوک افتاده است. مساله‌ای با وسعت جهانی و با مشارکت یکی دیگر از کشورهای ایستاده در مقابل آمریکا. باید گفت که مهم‌ترین نقطه ضعف تحریم‌ها و فشار حداکثری بر ایران همین نقطه است، جایی که ایران می‌تواند از آن استفاده کند و کل سازمان و ساختار تحریم‌ها را بی‌اثر کند. کوبایی‌ها اولین کشوری بودند که به این اتفاق واکنش نشان دادند و گفتند، ورود نفتکش ایرانی به سواحل ونزوئلا محاصره، غیرقابل قبول و جنایتکارانه، تحمیل شده آمریکا بر ونزوئلا را شکست.»

وقتی این گزارش نوشته می‌شود، «فوربچن» و «فارست» اولین و دومین نفتکش بی‌دار آسکورت نظامی توسط ارتش ونزوئلا، در بندر این کشور پهلو گرفته و محموله خود را تخلیه کرده‌اند و «فاکسون»، «پتونیا» و «کلاول» همگی، با عبور از تنگه جبل الطارق و آب‌های اقیانوس اطلس در حال نزدیک شدن به دریای کارائیب هستند.

ادامه از صفحه ۲

شکست یکجانبه‌گرایی آمریکا

ونزوئلا سال‌هاست اقتصادش به دلیل تحریم‌های آمریکا با مشکل مواجه شده است. پس از اعتراضات اخیر که از بهمن ۹۷ آغاز شد، آمریکا برای سرنگونی دولت مادورو از تمام ابزارهای خود استفاده کرد. واشنگتن علنا اعلام کرد هدفش از تحریم نفتی، برکنار کردن نیکلاس مادورو است و به همین دلیل از ۸ اردیبهشت ۹۸، در تحریمی یکجانبه، خرید نفت از شرکت ملی نفت ونزوئلا و شرکت‌های وابسته به آن را برای تمامی شرکت‌های آمریکایی ممنوع کرد. واشنگتن همچنین اعلام کرد هیچ شرکت خارجی مجاز نخواهد بود که نفت ونزوئلا را به دلار بخرد. این تحریم، عملا روزانه نیم‌میلیون صادرات ونزوئلا یعنی ۱۵ درصد از درآمدهایش را کم می‌کرد و مادورو را به سراشیبی سقوط هدایت می‌کرد. سه ماه بعد، آمریکا در دور جدید تحریم‌ها، ضمن توقیف همه دارایی‌های دولت و مقام‌های ونزوئلا در آمریکا، هرگونه دادوستد مالی و ارتکشیی را با این کشور منع کرد. تصمیمات یکجانبه آمریکا برای جهان، البته تنها مختص به ونزوئلا نبود و ایران، کره‌شمالی، چین و حتی روسیه هم درگیر چنین اقداماتی شـده‌اند. در همان دوران برخی از مقامات سـابق آمریکا به دولت ترامپ هشدار می‌دادند که این مدل یکجانبه‌گرایی می‌تواند برای آمریکا تبعات سنگینی به‌دنبال داشته باشد و موجب بی‌اعتنایی کشورها به این سیاسـت‌ها و درنهایت انزوای آمریکا شـود. دونالد ترامپ و تصمیم‌گیران افراطی در دولتش، گوش‌شـان خیلی به این حرف‌ها بدهکار نبود و تا آخرین توان، سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه‌شان را دنبال کردند. در ونزوئلا این سیاسـت‌ها نه‌تنها دولت را سرنگون نکرد که بسته تحریم آمریکا را نیز به چالش کشـید. در میانه بهمن‌ماه، رویترز گزارش داد که صادرات نفت ونزوئلا در حال رشـد است و از ۸۰۰ هزار بشکه در ماه آگوست به حدود یک‌میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه افزایش یافته است. به نوشته این خبرگزاری، شرکت‌هایی مثل چورون آمریکا، رایلینس ایندستریز هند و انی ایتالیا که خرید نفت از ونزوئـلا را پس از تحریم‌ها متوقف کرده بودند، نفتکش‌های خود را به این کشـور آمریکای جنوبی می‌فرسـتند. برخی تحلیلگران، سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه دونالد ترامپ را در راستای جلوگیری از افول آمریکا تلقی می‌کنند، اما واقعیت اینجاست که برخی از متحدان این کشور همچون آلمان هم حاضر به پیروی از این سیاسـت نیسـتند. آلمان با وجود تحریم خط لوله گازی نورد استریم ۲ که گاز را از روسـیه به اروپا می‌رساند، حاضر به پیروی از این تحریم‌ها نشد تا قدرت اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا، دچار استهلاک بیشتری شود. ناکامی آمریکا در سیاست خارجی یکجانبه‌گرایانه، این نوید را می‌دهد که دنیا دراحال میل به یک نظم چندجانبه است و دیگر آرزوی آمریکا برای تحمیل خواسته‌هایش به جهان، قدرت ویژه‌ای پیدا نخواهد کرد. نقطه اوج این ناکامی، اعزام ۵ کشتی نفتکش ایران به ونزوئلا بود. با وجود تهدیدهای آمریکا و اعلام اعزام نیاروی نظامی به سمت نفتکش‌های ایرانی، تهران با اقتدار به این ماجراجویی پاسخ داد و توانست افول آمریکا را در حیاط خلوتش تثبیت کند.

شورش در حیاط خلوت آمریکا

۱۹۷ سال پیش جیمز مونرو، رئیس جمهور وقت آمریکا دکترینی را به وجود آورد که در آن، آمریکای لاتین حکم حیاط خلوت آمریکا را داشت و بر این اساس دخالت در امور کشورهای تازه‌استقلال‌یافته این منطقه را در چارچوب حوزه نفوذ خصوصی واشنگتن تعریف کرد. دریک‌قرن گذشته آمریکا نزدیک به ۱۵ کودتا را در این منطقه طراحی و اجرا کرد تا به قدرت‌های اروپایی این پیام را مخابره کند که در آمریکای لاتین هیچ کشوری بدون آمریکا معنایی پیدا نمی‌کند. در چنددهه اخیر آمریکا قدرت برتر جهان، بخشمار می‌رفت و آمریکای لاتین هم وضع سابق را داشت اما واشنگتن در اینای عملکرد طبیعی خود به عنوان یک هژمون با مشـکل بزرگی مواجه بوده است که محور اصلی آن رشد دیگران» است. از نگاه برخی، آمریکا طی دو دهه اخیر رشد داشته اما رشد سریع دیگر بازیگران همانند روسیه، چین، آفریقای جنوبی، ایران، ترکیه، ژاپن و... باعث شده قدرت نسبی واشنگتن در مقیاس جهانی کاهش یابد. به همین دلیل توانایی آمریکا برای جلوگیری از قدرت‌یابی روسیه در اروپا، چین در شرق آسیا و ایران در غرب این قاره به‌شدت کاهش پیدا کرده و با مشغول‌سازی واشنگتن، به دیگران نیز فرصت گریز داده است. همان گونه که مشغول شدن آمریکا در جنگ‌های بیهوده غرب آسیا، فرصتی بی‌دلیلی برای گریز از اختیار روسیه و چین قرار داد و درنهایت ایران نیز از این فرصت بهره گرفت.

مشکل آمریکا اما تنها رشد دیگران نیست بلکه خود این کشور نیز به‌دلیل مخارج بالای جنگ‌های خود وعده‌نوسازی اقتصادش دچار ضعف‌های شدیدی است. آمریکا به‌دلیل ضعف‌هایی که دچارش اسـت در نظام تصمیم‌گیری خود با سردرگمی مواجه است. در بسیاری از نقاط این کشور به رغم آنکه همچنان قدرتمند است به‌دلیل عدم توانایی شناسایی و اولویت‌بندی دچار مشکلات عدیده‌ای شده است. آمریکای لاتین یکی از زیرمنگ‌هایی است که واشنگتن با وجود برتری نظامی در طول چند دهه کشمکش در آن، به‌دلیل ضعف در تصمیم‌گیری و استقامت مخالفانش، با شکست‌های مقداری مواجه شده است. در زمانی نه‌چندان دور آمریکا، دولت‌های آمریکای لاتین را تعیین می‌کرد و صرف‌دورصورت عدول خود تا تطلیعه ناکامی‌های واشنگتن در حیاط خلوتش هویدا شود. آمریکا در همین سال افغانستان را اشغال کرده و در سال ۲۰۰۳ نیز عراق را اشغال کرد اما از انجام کودتا در آمریکای لاتین عاجز شده بود. مقاومت ونزوئلا دولت‌های چپ‌گرای دیگری در کشورهایی مانند بولیوی و اکوادور را برسر کار آورد. برای الگوی لیبرالی آمریکا، هیچ دشـمنی خطرناک‌تر از گرایش‌های سوسیالیستی آن هم در حیاط خلوت‌شان نیسـت. چپ‌ها گرچه با تحریم‌های آمریکا و کودتاهای مختلفی روبه‌رو شده‌اند اما با این حال به صندوق‌های رای وفادار مانده‌اند و پس از تلاش‌های آمریکا برای در قدرت نگاه داشتن راست‌ها، چپ‌ها بار دیگر به قدرت برگشـتند. در برزیل، پس از پایان «لولا» داسیلوا و ناکامی «دیلما روسف»، در «ژانویه ۲۰۱۹ «ژائیر بولسونارو» که یک لیبرال و دشمن سرسخت چپ‌هاست، در برزیل به قدرت رسید. شکسـت سیاست‌های لیبرالی او روزی بود که مراسـم استقبال مردمی از لولا داسیلوا که از زندان آزاد شده بود، احتمال چرخش برزیل به سمت چپ‌ها را نمایان کرد. در آرژانتین هم «موریسیو مکری» در اقتصاد ناکام ماند تا مردم به ایده جریان چپ، یعنی همان چپ گرایان رای دهند. در شیلی هم سال گذشته اعتراضات افسارگسیخته‌ای علیه سیاست‌های لیبرالی دولت به راه افتاد تا الگوی لیبرالی آمریکا در حیاط خلوتش به مخاطره بیفتد و آمریکا نتواند با کودتا در این روند خللی ایجاد کند.

افول آمریکا با قدرت‌نمایی نفتکش‌های ایران

اشکان همینی
کارشناس امور بین‌الملل

ایران در اقدامی هوشـمندانه و سراسر قـدرت، پنـج ابرنفتکـش خـود را برافراشـتن پرچم ایران به‌صورت علنی عازم ونزوئلا کرد. در طول این مسـیر با وجود خبرسازی‌های رسانه‌های غربی و برخی اقدامات آمریکایی‌ها، هیچ قدرتی جرات کوچک‌ترین مزاحمتی برای سـیر حرکت این نفتکش‌ها را نداشـت. این اقدام تهران در طول سال‌ها تحریم ظالمانه نظیر ندارد و کمتر ناظر و تحلیلگری قادر به پیش‌بینی این اقدام و اثرات شگرف آن در پهنه سیاسی جهان بود. ورود نفتکش غول‌پیکر ایرانی (Fortune) در آب‌های سرزمینی ونزوئلا و اسکورت نیروی هوایی و دریایی آماده خود ونزوئلا به‌سـوی بندر، نشان از قدرت فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. گفته می‌شـود زیردریایی‌هایی با پیشرفته‌ترین موشک‌های جهان در همان لحظه لول حرکت، اسـکورت پنج کشتی را علاوه‌بر هزاران موشک نقطه‌زن برعهده داشتند.

هیبت پوشالی و مرکز فرماندهی یکی از سهمگین‌ترین عملیات جنگ روانی آمریکا و متحدانش، با صدای هلهله مردم ونزوئلا و جشن پیروزی و عید ایرانیان مقارن شده اسـت. از همان لحظه نخست در مسیر قرار گرفتن کشتی‌ها، تهدیدات توخالی آمریکا و متحدانش آغاز شد. ایران به‌صراحت به آمریکا پیام داد که هرگونه اخلال در حرکت کشتی‌های ایران با پاسخی مواجه می‌شود که دنیا را بیشتر از اثرات کروناویروس هوایی شگفت‌زده خواهد کرد و آمریکا را در خاک خود با پشیمانی بزرگی روبه‌رو خواهد کرد. حرکت نفتکش‌های جمهوری اسلامی و قدرت‌نمایی آنها در دوران بسا کرونا نشان داد که در روابط بین‌الملل و ارتباطات بین کشورها اگر با هوشمند باشند، می‌توانند هگرونه سیاست غلط زورگویی و تحریم و محاصره را درهم بشکنند. دوران بسا کرونا دورانی اسـت که در آن اتحاد و همدلی بیشـتر کشورها را نشان خواهد داد و در این دوران دولت‌ها و ملت‌ها نقشـی متفاوت به نمایش خواهند گذاشت که ورود نفتکش‌های ایران به آب‌های ونزوئلا و اتحاد و عزم دو کشور در ایجاد روابط نزدیک و اسـتراتیک یکی از این نمونه‌هاست. افول روپای آمریکا در ایجاد سیاست‌های تنـش‌زا در منطقه و جهان، ایجاد جنگ‌های متعدد و ظالمانه زنـوی آمریکا در خاورمیانه و تلاش برای جلوگیری از نفوذ و گسترش قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران که همواره به شکسـت انجامیده و به بازی گرفتن آمریکا در مواجهه با بحران بشر که بازهم در بحران کرونا شاهد آن بودیم که خود آمریکا در مواجهه با بحران

قدرت تهران در حمایت از متحدان فرامنطقه‌ای

در عرصه بین‌الملل، هر کشـور برای تبدیل شـدن به قدرت، نیازمند شـکل‌دهی به طیف‌های مختلف متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. مهم‌تر از شـکل‌گیری اتحادها، حفظ و بقای آنهاسـت. برخی از قدرت‌ها در میانه بحران‌ها متحدان خود را رها می‌کنند و حتی در مقام دشـمنی با آنها برمی‌آیند و برخی دیگر به‌رغم دشـواری‌های بسـیار، حاضر نیسـتند دسـت از یاری متحدان خود بکشـند. در تحولات یک قرن گذشـته، دربرابر بسـیاری از شـکل‌گیری ائتلاف‌ها و شکسـت آنها در کمتر از چندسـال، کمتر مواردی بوده که کشورها حاضر به حمایت از متحدان‌شـان شده باشـند. نکته جالب اینجاسـت که ایرقدرت‌ها در مواقع بحرانی، کمتر حاضر به پشـتیبانی از کشورهای متحدان‌شـان می‌شـوند. برای بررسـی مصداقی این موضـوع، گریزی جز ورق‌زدن تاریخ نیسـت.

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا مطرح‌ترین قـدرت جهانی بوده و پـس از فروپاشـی شوروی، نظم جهانی برمبنای آنچـه واشنگتن به‌دنبال آن بود، ترمیم شـد. واشنگتن به تبع تبدیل‌شـدن به هژمون، متحدان بسـیاری از طریق تهدید، تطمیع یا کودتا برای خود فراهم کرد و در همین برهه نیز نمونه‌هایی مشـهور از برخورد با متحدان را آفریده اسـت. آخرین شاه پهلوی که سـال ۵۷ و با مبـارزات مردمی سـاقط و مجبـور به فرار از کشـور شـد، یکی از بزرگ‌ترین متحدان آمریکا در طول تاریخ این کشـور اسـت. محمدرضا پس از فرار از ایران، قصد سـفر به املاک بزرگ خود در کشورهای اروپایی یا آمریکا را داشـت که با ممانعت تمامی کشورها روبه‌رو شـد. حضـوری کوتاه‌مدت در مصـر و مراکش و پس از آن آوارگی در باهاما و مکزیک در نزدیکی آمریکا، سـهم محمدرضا شاه از اتحاد با آمریکا بود. او تنها زمانی که مجوز ورود به آمریکا را پیدا کرد که وضعیت سرطانی‌اش به نقطه حسـاسی رسـید. استقبال دولتمردان آمریکایی از متحد سابق خود، شاهکاری بی‌نظیر بود. مقامات عالی‌رتبه سطح پایین آتـی ریاسـت جمهـوری اسـت لـذا محدودیت‌هـای عمـل بیشـتری را بـرای خـود در نظر می‌گیرد و از حماقت‌هـای سـبحانی در پایان افزود: «ونزوئلا دارای بیشـترین ذخایر نفتی جهان اسـت. همچنین دارای معادن طلای بسـیار غنی اسـت که در برخی از آن‌ها بیش از چند ۱۰ تن طلا استخراج می‌شـود. الماس، آهن و بوکسـید آلومینا و تقریباً همه مواد اولیه جغرافیایی در ونزوئلا به وفور یافت می‌شـود. آب شـیرین که مشـکل آینده جهان اسـت در ونزوئلا به وفور وجود دارد. بنابراین ونزوئلا کشـور ثروت و فرصـت اسـت و به خاطر همین امریکا تحت هر شرایطی سـعی می‌کند ونزوئلا را به زانو دربیاورد اما حضور ایران می‌تواند هژمونی امریکا در دنیا را به چالش بکشاند و فرصت بزرگی هم برای شکسـتن تحریم‌ها پدید آورد.»

سفیر سابق ایران در ونزوئلا:

بعد از عین‌الاسد آمریکا فهمیده با کسی شوخی نداریم

احمد سبحانی، سفیر پیشین ایران در ونزوئلا و همچنین مدیرکل اسبق آمریکای لاتین و غرب آسیای وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تبادل تجاری اخیر میان تهران و کاراکاس را مورد بررسی قرار داد.

وی در ابتدای این گفت‌وگو با بیان اینکه اتفاق مهمی در عرصه اقتصادی و تجارت خارجی برای ایران رخ داده است، گفت: «ایران برای سال‌ها وارداکننده بنزین بود. حدود ۱۰ سال پیش آمریکایی‌ها مهم‌ترین تحریمی که علیه ما اعمال کردند و گمان داشتند نتیجه‌بخش باشد، تحریم بنزین بود. در آن شرایط ما از کل میزان مصرف بنزین کشور، نیازمند واردات ۳۵ درصدی از خارج بودیم و شرایط خیلی مساعد نبود. آن روز شرایط سخت را گذراندیم و اتفاقا بنزین مورد نیاز خود را از ونزوئلا وارد کردیم و این در شرایطی بود که کشورهای دیگر به ما بنزین نمی‌دادند.»

کمک ۱۰ سال پیش ونزوئلا را جبران کردیم

وی ادامه داد: «پس از اینکه ونزوئلا در آن ایام بنزین ایران را تامین کرد، تحت تحریم قرار گرفت و هزینه‌هایی را متحمل شد. حالا ما با مجارا برعکس شده و در ایام تحریم ما صادرکننده بنزین به ونزوئلا شدیم. لذا با ایجاد امکان تولید بنزین، مازاد نیاز کشور را صادر می‌کنیم که این توانمندی مهمی هم در عرصه تولید این محصول استراتژیک و هم در عرصه صادرات آن است. علاوه بر این باید به این نکته اشاره کنم که بخشی از ماجرای تحریم‌های سال‌های اخیر مربوط به تحریم‌های تکنولوژیک بود. برای مثال کاتالیست‌ها که اقلام مهمی در صنعت نفت و پتروشیمی هستند، مورد تحریم قرار گرفتند و ما در زیر فشار تحریم توانستیم با کیفیتی بسیار بالا و حتی بهتر از برخی نمونه‌های جهانی آنها را تولید کنیم و حالا با صادرات به دیگر کشورها از جمله ونزوئلا هم ارزآوری داشته باشیم و هم تحریم‌های آمریکا را بشکنیم. ونزوئلا دارنده بزرگ‌ترین منابع نفتی جهان است و لذا بازار بسیار مهمی می‌تواند برای ما باشد.»

طی ۶ سال گذشته ترک‌ها جایگزین ما در بازار ونزوئلا شده بودند

سفیر سابق ایران در کاراکاس با اشاره به جنبه سیاسی این اتفاق گفت: «ذیل فشارهای آمریکا، حتی شرکت‌های ترکیه‌ای که در نمونه ما طی ۶ سال گذشته وارد بازار ونزوئلا شدند، امروز از این کشور خارج شده‌اند و حتی شرکت‌های نفتی روسیه و برخی شرکت‌های چینی هم محدودیت‌های را برای همکاری با کاراکاس درنظر گرفته‌اند. بنابراین از این منظر تجارت با ونزوئلا هم گویای وفاداری ایران به دوستان گذشته خود است و نشان می‌دهد ما در حال جبران کمک ۱۰ سال پیش آنها هستیم و هم اینکه ایران امروز در شرایطی قرار گرفته که یک ابزار تحریمی قابل اعتنا را از دست آمریکا گرفته و راه سفید دیگر نمی‌تواند با تحریم بنزین ایران را تحت فشار بگذارد.»

احمد سبحانی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود به جنبه اقتصادی - راهبردی این تجارت اشاره کرد و توضیح داد: «دلار شیشه عمر آمریکاست، پول دیون پشتوانه‌ای که به‌واسطه آن آمریکا در دنیا حکومت می‌کند. حالا دو کشور مهم تحریم شده، دلار را از مبادلات خود کنار گذاشته‌اند و راهی ساخته‌اند تا به دور از ابزارهای تحریمی آمریکا، دیگر کشورها هم بتوانند وارد تجارت با ایران و ونزوئلا شوند. لذا از این جهت هم موضوع اهمیت زیادی دارد.»

قدرت بازدارندگی ایران مانع اقدام آمریکا شد

این کارشناس مسائل بین‌المللی در ادامه در پاسخ به چرایی عدم‌اجرایی شدن تهدیدات نظامی آمریکا درخصوص نفتکش‌های ایرانی گفت: «ما طبق قوانین بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد را داریم و این اولین دلیل است. البته اشتباه نشود، می‌دانیم آمریکایی‌ها اعتقادی به «حق» و «قانون» ندارند، مخصوصا ترامپ که یک بازکی بدون روتوش است، لذا باید بگوییم در حقیقت مهم‌ترین عاملی که باعث شد اینها نتوانستند تعرضی به کشتی‌ها ما داشته باشند «قدرت بازدارندگی» ایران است. ایران در گذشته نشان داده که در این مسائل با کسی شوخی ندارد. آمریکایی‌ها ماجرای عین‌الاسد را فراموش نکرده‌اند. عین‌الاسد اولین پایگاه آمریکایی بود که به‌طور رسمی بعد از جنگ جهانی مورد تعرض رسمی قرار گرفت و آنها نتوانستند کاری انجام دهند. مضاف بر اینکه واقعه گلوبال هاوک و پیش از آن هم ماجرای نشاندن هواپیمای دیگر بدون سرنشین آنها نشان داده بود که ایران هم توانمندی برای اقدام دارد و هم شجاعت لازم را. لذا آمریکا می‌داند نفعی در آغاز درگیری وجود ندارد.»

چین و روسیه مترصد تضعیف آمریکا هستند

وی افزود: «موضوع مهمی دیگری در اینجا وجود دارد، اینکه ما و ونزوئلا تنها متغیرهای موضع نیستیم. در دنیا آمریکا رقبایی دارد که منتظر تضعیف این کشور هستند. چین امروز در جنگ اقتصادی با آمریکا قرار دارد. چین و روسیه و حتی برخی متحدین اروپایی آمریکا چالش‌های بزرگی با کاخ سفید دارند و همین‌ها باعث شکنندگی آمریکا شده است و لذا اگر ترامپ وارد درگیر نظامی با ایران شود این شکنندگی بیشتر خواهد شد. از اینرو باید بگوییم همچنان عقلایی در آمریکا هستند که توانسته‌اند در این برحه حاد مانع ماجراجویی ترامپ شوند. علاوه بر این کرونا هم موضوع دیگری است که این روزها جایگاه رئیس جمهور آمریکا را تهدید می‌کند و او نگران تجمیع این وقایع و تاثیر منفی آنها بر انتخابات آتی ریاست جمهوری است. لذا محدودیت‌های عمل بیشتری را برای خود در نظر می‌گیرد و از حماقت‌های سبحانی در پایان افزود: «ونزوئلا دارای بیشترین ذخایر نفتی جهان است. همچنین دارای معادن طلای بسیار غنی است که در برخی از آن‌ها بیش از چند ۱۰ تن طلا استخراج می‌شود. الماس، آهن و بوکسید آلومینا و تقریباً همه مواد اولیه جغرافیایی در ونزوئلا به وفور یافت می‌شود. آب شیرین که مشکل آینده جهان است در ونزوئلا به وفور وجود دارد. بنابراین ونزوئلا کشور ثروت و فرصت است و به خاطر همین امریکا تحت هر شرایطی سعی می‌کند ونزوئلا را به زانو دربیاورد اما حضور ایران می‌تواند هژمونی امریکا در دنیا را به چالش بکشاند و فرصت بزرگی هم برای شکستن تحریم‌ها پدید آورد.»

نصرت‌الله تاجیک در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سیاست جدید ایران چگونه سبب بازتولید قدرت ملی شد

نصرت‌الله تاجیک، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بازتولید قدرت ملی برای کشورمان به‌واسطه عبور نفتکش‌ها از کاراکایب و ورود به ونزوئلا اشاره کرد و اظهار داشت: «ابتدا باید به این نکته پرداخت که بازتولید قدرت ملی در اختیار دولت‌ها نیست و این حکومت‌ها هستند که با تصمیمات خود به بازتولید قدرت ملی می‌پردازند و این به‌دلیل حد محدود دولت‌هاست.»

دست بسته ایران در سیاست خارجی تقویت شده است

تاجیک با بیان اینکه ساقط‌شدن پهپاد آمریکایی و توقیف نفتکش انگلیسی ازسوی ایران اقدامات سخت‌افزاری بود که توانست یک‌بار دیگر به نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی قوت ببخشد، افزود: «ما پیش از این اتفاقات به‌دلیل برخی مسائل در داخل و حوزه سیاست خارجی دست بردنه را نداشتیم اما با مجموع اتفاقات یک‌سال گذشته دست بردنه را کسب کردیم.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل درباره موضع دولت روحانی درقبال ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین در گذشته گفت: «آقای روحانی در زمان دولت‌های یازدهم و دوازدهم هیچ‌گاه شعار کنار گذاشتن آمریکای لاتین و ونزوئلا با هر کشور دیگری را مطرح نکرده بود؛ هرچند ممکن است تحلیلگرانی ازسوی اصلاح‌طلبان یا تحلیلگران مستقل، سیاست نزدیکی به آمریکای لاتین را برای کشور مفید نمی‌دانستند.»

برخی هزینه ورود به حیاط خلوت آمریکا را گزاف می‌دانستند

وی با اشاره به استدلال مخالفان این ارتباط به موضوع هزینه بالا و گزاف ورود به حیاط خلوت آمریکا پرداخت و اظهار داشت: «این دیدگاه هیچ‌گاه موضع دولت و وزارت امور خارجه نبوده است چراکه دولت مجری سیاست‌های حکومت است و از این‌رو به‌دنبال قطع ارتباط خود با ونزوئلا نیز نبوده است.»

تاجیک درعین حال ادامه داد: «برخی تحلیلگران معتقد بودند هزینه رفتن در حیاط خلوت آمریکا هزینه زیاد و گزافی دارد و نمی‌توان ماه‌ازای آن را دریافت کرد از این‌رو رفتن ما به ونزوئلا یا سرمایه‌گذاری در این کشور را برنمی‌تابیدند.»

کاهش تعهدات ۵ مرحله‌ای برجام و اعزام ۵ نفتکش به ونزوئلا ناشی از سیاست جدید جمهوری اسلامی است

این کارشناس مسائل بین‌الملل خاطرنشان کرد: «سیاست خارجی از امور حاکمیتی است نه از امور دولتی، بنابراین این حکومت‌ها هستند که اصول بنیادین سیاست خارجی را طراحی و تعریف می‌کنند اما اگر در اینجا به موضوع پنج نفتکش ایرانی بازگردیم باید گفت وقتی ترامپ از برجام بیرون رفت ما با دو استراتژی به حرکت خود ادامه دادیم.»

وی ادامه داد: «استراتژی اول این بود حرکتی انجام ندهیم که ترامپ از انزوای ناشی از خروج خود از برجام بیرون آید و از این‌رو تلاش کردیم با تمسک به این استراتژی همچنان دست برتر را در برجام داشته باشیم؛ استراتژی دوم هم این بود که در برجام تا زمانی بمانیم که برای کشور منفعت داشته